

در حیطه کفر و نفاق وارد می‌شوند و حال مخالفان ایشان در غیبت کبری مانند مخالفین «نواب اربعه» در غیبت صغری است.» (رشتی، بی‌تا: ۳۱۷)

سید کاظم رشتی با این استدلال که برای باب هر شخصی ذکر غیر از یاد و نام صاحبش معنا ندارد، می‌گوید: واجب است که باب امام تمام ذکر و فکرش متوجه امام باشد و تمام اوقات خود را صرف نشر و تبیین اوصاف و احکام پیشوای خویش کند. پس هنگامی که شخصی را با این اوصاف یافتی یقین بدان که او باب امام است. (همان)

با رواج هر چه بیشتر این تفکرات در مکتب سید کاظم رشتی، عقیده برخی از شیخیه با آنچه علمای بزرگ شیعه درباره نایبان امام زمان در عصر غیبت کبری می‌گفتند، تفاوت زیادی پیدا کرد و شاگردان این مکتب با دامن زدن به این مباحث و افزودن مطالبی دیگر بر آن، شناخت این انسان کامل و واسطه فیض را جزء ارکان دین قرار دادند. چنان‌که محمد کریم خان کرمانی، شناخت باب امام را رکن رابع دانسته و ارکان دین را این‌گونه بیان می‌کند:

۱- معرفت خداوند متعال؛

۲- شناخت رسول اکرم (ص)؛

۳- شناخت ائمه اطهار (ع)؛

۴- ولایت اولیاء الله یا همان رکن چهارم دین. (کرمانی، ۱۳۶۸: ۱۲)

کریم خان در مورد چهارمین رکن می‌نویسد:

«چون دست‌رسی به ولی خدا در هر لحظه مقدور نیست، پس باید به خدمت حجت ولی درآمد که ثقه و امین بوده و متقی و پرهیزگار و شب و روز خود را وقف نشر دین مولای خود کنند.» (همان)

کرمانی با برداشت‌هایی که از کلام شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی داشت، مسئله امام زمان و رکن رابع را در قالب تشبیهی این‌گونه بیان می‌کند: جسد اصلی (غیرعنصری)، بسان روح بخاری است. این روح بخاری جانشین روح ملکوتی است و سایر اعضا (غیر از روح بخاری)، عرض هستند و تابع روح بخاری، در واقع، انسان کامل یا همان رکن رابع مانند روح بخاری است و تنها اوست که می‌تواند با روح ملکوتی (امام زمان) ارتباط برقرار کند. وی می‌نویسد:

«به یقین که هر کس منکر شیعه کامل باشد، متصل به او نیست. هر کس متصل به او نباشد، میت است از روح الایمان، چرا که روح الایمان اول به آن شیعه کامل می‌رسد، چنان‌که یافتی و از او منتشر در سایر خلق می‌شود. پس معرفت ایشان از ارکان ایمان و شروط اذعان است» (کرمانی، ۱۳۶۵: ۲۷۳/۴-۲۷۴)

جایگاه این ارکان در نظام هستی از دید کرمانی واسطه فیض و مدد‌های الهی است که به برکت آنان (با وجود غیبت امام زمان) این فیض‌ها به سایر مردم می‌رسد. و خود ابتدا محل این فیض‌ها قرار می‌گیرند و از درجه قرب بالایی نسبت به حضرت حق برخوردارند. (همان، ۳۳۵/۴)

نقد

براساس تاریخ مبرهن است که، با غیبت دوازدهمین حجت حق و آغاز غیبت صغری، که امکان ملاقات امام با همه میسر نبود، چهار تن از بزرگان و پارسایان علمای شیعه با دستور حضرت به عنوان نمایان خاص آن حضرت برگزیده شدند. هرچند قبل از آن، امام هادی (ع) و امام عسکری (ع)، که مردم را برای عصر غیبت آماده می‌کردند، ارتباط خود را با مردم کم کرده و از طریق وکیلان خود با مردم ارتباط داشتند.

ابوعمر و عثمان بن سعید عمري، ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمري، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ابوالحسن علی بن محمد سمري، (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۵۳) بزرگانی بودند که در زمان غیبت صغری واسطه بین امام و مردم بودند.

با آغاز غیبت کبری، حضرت در نوشته‌ای به آخرین نایب خود اعلام کرد که بعد از این، در پس پرده تاریخ و طولانی غیبت رفته و برای این‌که شیادان نتوانند از خلأ عدم وجود امام سوء استفاده کنند، بیان فرمودند: هر کس ادعای دیدار و ملاقات با حضرتش را داشته باشد، دروغ‌گویی بیش نیست. (همان، ۳۹۵) و چون حکمت اقتضا می‌کرد برای سروسامان دادن به نیازهای جامعه و پرسش‌های مردم عالمان راستین دین را به عنوان نمایان عام خود معرفی نموده و فرمودند: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فإنهم حجتي علیکم و أنا حجة الله» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۰/۲۷).

با وقوع این حادثه بزرگ و بی نظیر تاریخ بشری؛ عده‌ای سودجو از این فرصت برای رسیدن به اهداف خود بهره جستند و با بهره‌گیری از احساسات شیفتگانی که منتظر امام خود بودند، غائله‌هایی را برپا کردند. بزرگان شیخیه، که در مورد امام زمان آهنگی متفاوت با دیگر بزرگان شیعه می‌نواختند، با کلمات غامض و نامفهوم و با مطرح کردن رکن رابع در رابطه با غیبت امام زمان (عج) زمینه سازی برای اهداف شوم و بی اساس خود کردند که سخنان آنها موجب شدند تا اشخاصی مانند علی محمد شیرازی که شاگرد مکتب سید رشتی بود و حسینعلی نوری با استفاده از این تفکر خاص ادعای بابت و واسطه فیض نمودند. تا کم کم کار را بجایی رساندند که ادعای مهدویت کردند. حال آنکه براساس تاریخ روشن و مبرهن است که در غیبت صغری راه ارتباط با امام عصر (عج) نواب اربعه و در غیبت کبری طبق فرموده امام عصر (عج) عالمان دینی با آن اوصافی که در حدیث شریف آمده است مرجع مردم و مسایل دینی است. لذا کلمات شیخ احمد احسائی با وجود توجیه و تفسیر شاگردانش غیر از سردرگمی و عوام فریبی و به اشتباه انداختن برخی جوانان بی اطلاع و کم اطلاع ثمر دیگری نداشته و نخواهد داشت.

نتیجه گیری

از دیدگاه کلامی شیخ احمد احسائی به این نتیجه می‌رسیم که ایشان در مورد موضوعات کلامی، معاد، حشروقیامت، و غیبت امام زمان علیه السلام نظرات خلاف ظاهر قرآن و برخلاف دیدگاه مشهور و معروف علما مشی نموده و به مخالفت علمای هم عصر خودش مواجه گردیده است. به همین دلیل برای توجه نظراتش به تناقض گویی مبتلا گردیده است. و در برخی موارد شاگردانش برای اصلاح نظر استادش به توجیهاتی دست زده اند. با وجود آن هم قناعت علمای عصر و زمانش را نتوانسته بدست بیاورد؛ از این رو مورد تکفیر بعضی از علماء آن زمان قرار گرفته؛ و به تبعید ایشان منجر گردیده است.

کتابنامه

- ابن عربی، محیی الدین، فتوحات المکیة، بیروت، دار صادر، بی تا، بینا.
- ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق، دوم.
- ابن جوزی، عبدالرحمن، المنتظم فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق، اول.
- ابن سینا، الشفا، تحقیق آیه الله حسن زاده آملی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش، بینا.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، ۱۳۷۹ق، اول.
- احسائی، شیخ احمد، و سید کاظم رشتی، اسرار الامام المهدي، بیروت، دارالمحججه البيضاء، ۱۴۲۵ق، بینا.
- احسائی، شیخ احمد بن زین الدین، حیاة النفس، ص ۳۷.
- احسائی، شیخ احمد، شرح زیارة الجامعة الکبيرة، بی جا، ۱۴۲۴ق، بینا.
- احمد بن هروی، انواریه، ترجمه و شرح حکمت اشراق، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳، دوم.
- اسحاقیان، جواد، پیچک انحراف، تهران، بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود، تابستان ۸۸، اول.
- اصفهانى، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، تحقیق سید احمد صقّر، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۴ق / ۱۳۷۲ش، اول.
- آشتیانی، سید جلال، شرح زاد المسافر، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۸۱، سوم.
- بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، بیروت، دارالحیل، دارالآفاق، ۱۴۰۸ق،
- بلاذری، احمد بن یحی بن جابر، الانساب الاشراف، (۶ قسم)، تحقیق عبدالعزیز الدوری، بیروت، دارالنشر، ۱۳۹۸ق / ۱۹۷۸م، اول.
- بلخی، جلال الدین، مثنوی معنوی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، بی تا.
- بیدگلی، حسین کریم شاهي، فرهنگ موعود، قم، ناصر، ۱۳۷۷، بینا.

پاک، محمدرضا، «مهدویت در غرب اسلامی»، فصلنامه تاریخ اسلام، مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۲۷
حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴ق/ ۱۴۰۹ق..
حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ش، دوم.
خدا مراد، سلیمیان، فرهنگ نامه مهدویت، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۸۳، بینا.
دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، مدخل «باب»، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۲۰۰۹م، بینا.

دائرة المعارف، سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع، تهران، نشر سعید محبی، ۱۳۷۳، اول.
رشتی، سید کاظم، مجموعه رسائل، رساله حجت البالغه، چاپ سنگی.
رشتی، سید کاظم، مجموعه رسائل، ص ۳۶، رساله فی کشف الحق، چاپ سنگی.
سبحانی، جعفر منشور عقاید امامیه، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، زمستان ۱۳۷۶ه..
سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، محقق: محمد محی الدین عبدالحمید، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۱ق/ ۱۳۷۰ش، اول.
شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، الملل و النحل، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق.
شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، چ سوم، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۵.

شیخ طوسی، الغیبه، چ دوم، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ه.
شیرازی، سید علی محمد، صحیفه عدلیه، منتشره از سوی بایه مقیم تهران، بی تا، بیجا.
صافی گلپایگانی، لطف الله، اصالت مهدویت، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۰، بینا.
طالقانی، سید محمد حسن آل، الشیخیه نشأتها و تطورها و مصادر دراستها، بیروت، المآل للمطبوعات، ۱۴۲۰ه ق.

طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، زمستان ۱۳۷۲ / ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
طبرسی نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۵.

- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الرسل و الملوك، (۸جلدی)، قاهره، مطبعة الاستقامة، ۱۳۵۸ ق / ۱۹۳۹ م) ج ۳، ص ۴۵۵.
- عبدالله، بن مسلم ابن قتیبه، الأمامة والسیاسة، تصحیح از: علی شیری، (۲ ج)، چاپ اول، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۱ ش)
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- کرمانی، حاج محمد کریم خان، ارشاد العوام، کرمان، سعادت، ۱۲۶۵.
- کرمانی، حاج محمد کریم خان، رساله رکن رابع، چ دوم، کرمان، سعادت، ۱۳۶۸.
- کشی، رجال، ابی عمر محمد بن عمر، معرفة اخبار الرجال، بی جا، بی نا، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- مجله انتظار جوان، دیمه سال ۱۳۸۹، شماره ۶۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
- رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (صبحی صالح)، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق، اول.
- هروی القاری، علی بن سلطان محمد، رساله فی المهدي المنتظر، نسخه خطی.